

## بررسی استرداد دعوی در حقوق ایران و فرانسه

مونا انوری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مونا انوری

### چکیده

دادخواهی به موجب بسیاری از اسناد حقوق بشری، حق مسلم افراد شناخته شده است و هر فردی حق دارد، دعوای خود را در محکمه صالح طرح و برای رسیدن به خواسته خود، اقدامات لازم را بر اساس قوانین موضوعه به عمل آورد.

استرداد دعوا از موارد زوال دادرسی می باشد که تنها از سوی خواهان و طرقي پذیرفته میشود که احکام خواهان بر او بار می شود.

به نظر می رسد قانون گذار قواعد استرداد دعوا را تنها برای مرحله نخستین مورد پیش بینی قرار داده است. از این رو در مرحله تجدید نظر، واخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی قابل پذیرش نخواهد بود.

در حقوق فرانسه در خواست استرداد دعوا از سوی خواهان در تمامی موضوعات مسموع است به شرطی که خوانده موافقت نماید. در عین حال، هر گاه در زمان استرداد دعوا خوانده در ماهیت دفاع نکرده و ایراد عدم استماع نیز ننموده باشد، استرداد دعوا بدون رضایت است ولی در حقوق ایران چنانچه خواهان بعد از ختم مذاکرات تقاضای استرداد نماید، در صورتی که خوانده با این تقاضا موافق باشد قرار رد دعوا صادر می شود ولی اگر خوانده موافق نباشد خواهان بایستی از دعوای خود به کلی صرف نظر نماید که در این فرض قرار سقوط دعوا صادر می شود.

**واژگان کلیدی:** استرداد دعوا- مطالعه تطبیقی- رد دعوا- سقوط دعوا.

## مقدمه

در حقوق خصوصی طرح دعوا طی تشریفات رسیدگی به منظور اهدافی می باشد که مدعی یا خواهان به دنبال دستیابی به آنهاست. در این راستا قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله کشورمان از حق دادخواهی افراد حمایت می کنند. اما پس از طرح دعوا و گذراندن تشریفات خاص رسیدگی، در میان مراحل مختلف تشکیل پرونده تا زمان صدور حکم، ممکن است، خواهان به دلایل مختلف از پیگیری موضوع صرف نظر نموده و دعوی خود را مسترد نماید. عمل مذکور از سوی خواهان در قالب مفهوم حقوقی "استرداد دعوا" در قوانین موضوعه تبیین گردیده است.

تاسیس حقوق مذکور در حقوق خصوصی کشورمان، برگرفته از حقوق کشور فرانسه است. در مقررات آیین دادرسی مدنی کشور فرانسه، ابتدا به موجب کد دادرسی قدیم مصب ۱۸۰۶ و سپس براساس کد نوین آیین دادرسی مصوب ۱۹۷۵، موضوع استرداد پذیرفته شده (جواد غلامی و علی روانان، ۱۳۹۵) هر چند تغییراتی در کد قدیم آیین دادرسی کشور فرانسه رخ داد و ابتدا کد نوین آیین دادرسی مصوب ۱۹۷۵ و سپس قانون مصوب سال ۲۰۰۷ در خصوص ساده سازی حقوق و مقررات متحد الشکل دادرسی تصویب گردید (محسنی، ۱۳۹۱) ولی در مجموع می توان گفت، در حقوق فرانسه استرداد دعوا تابع تشریفات خاصی شده است. با توجه به مقدمه ای که بیان گردید، در این مقاله به بررسی استرداد دعوا در حقوق ایران و فرانسه خواهیم پرداخت.

## تعریف استرداد دعوا

### تعریف لغوی

برای تعریف استرداد دعوا و روشن شدن محدوده معنایی آن در حقوق خصوصی، ابتدا به بیان معانی لغوی و اصطلاحی آن می پردازیم و در ادامه مفهوم آن را در قوانین موضوعه مورد بررسی قرار خواهیم داد. در فرهنگ زبان پارسی، واژه استرداد به عنوان یک مصدر لغوی مصدر باب استفعال از ریشه "رد" دارای ریشه عربی، به مفهوم پس گرفتن و باز ستاندن آمده است. همچنین واژه عربی "دعوی" نیز به مفهوم خواستن و دادخواهی تعبیر شده است. (عمید، ۱۳۶۹، ۱۷۳) استرداد در لغت به معنای باز پس گرفتن است. دعوا در لغت به معنای ادعا کردن، خواستن، نزاع و دادخواهی آمده است. استرداد دعوا در اصطلاح به معنای پس گرفتن، ترک دعوا و انصراف از حق موضوع دعوا هست (صدر زاده افشار، ۱۳۸۵، ۳۸۰) در زبان فرانسوی واژه استرداد در مفهوم حقوقی خود با عبارت "ledesistement" در متون مختلف حقوقی شناخته می شود که به معنی صرف نظر کردن و چشم پوشی آمده است (بروخیم، ۱۳۷۶) لازم به ذکر است، معنی اصطلاحی واژه استرداد نیز در متون حقوقی به زبان فرانسوی، در چهارچوب رایج به مفهوم عام دعوا با عبارت "le desistement d instance" و استرداد دعوا به مفهوم خاص دعوا با عبارت "le desistement d instance" به کار برده شده است. (زند و حسنی، ۱۳۹۳، ۱۷۳)

### تعریف قانونی

در م ۱۰۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر شده است: استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می گیرد:

الف- خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند، در این صورت دادگاه قرار در دعوا صادر می نماید.

ب- خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید.

ج- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد و یا خواهان از دعوای خود به کلی صرف نظر کند در این صورت دادگاه، قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.

بند الف ماده فوق در ارتباط با استرداد دادخواست می باشد که از موضوع بحث ما خارج است ولی بند ب و ج ماده فوق در ارتباط با استرداد دعوا می باشد.

به نظر می رسد در قانون فعلی آیین دادرسی کشورمان، در خصوص موضوع استرداد دعوا و تعریف قانون استرداد بیان نشده و تعیین و تکلیف در مورد جزئیات امر استرداد و آثار حقوقی آنها نپرداخته است.

در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب سال ۲۰۰۷، مواد ۳۹۴ الی ۴۰۵ به موضوع استرداد دعوا اختصاص یافته است.

### شرایط استرداد دعوا در مراحل مختلف دادرسی

#### استرداد دعوا از جلسه اول تا زمان ختم رسیدگی

جلسه دادرسی زمانی است که طبق قانون یا به موجب آن دستور دادگاه از طرف مدیر دفتر برای رسیدگی به دلایل طرفین یا استماع توضیح اسباب دعوا تعیین می شود، برای تشکیل جلسه دادرسی بایستی موجبات رسیدگی فراهم باشد که در غیر اینصورت تشکیل جلسه دادگاه قانونی نخواهد بود. (قاضی شریعت پناهی، بی تا، ۳۳۸)

به موجب م ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می باشد، بنابراین موضوع استرداد دعوا زمانی مصداق پیدا می کند که دادخواست به دادگاه تقدیم گردد و سپس تصمیم به باز پس گیری آن شود. (زند و حسنی، ۱۳۹۳، ۱۷۹)

در بسیاری از رسیدگی های مدنی، جلسه اول دادرسی بسیار حائز اهمیت است. در جلسه اول، خواهان دعوی خود را علیه خوانده مطرح نموده و خوانده در مقابل ادعای خواهان قرار می گیرد. دادرسی نیز از طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف توضیح می خواهد و به تعبیر دیگر، خواسته را تثبیت می نماید. (پور طهماسبی، ۱۳۸۴) در پایان، بعد از استماع اظهارات طرفین دادگاه با اعلام ختم مذاکرات طرفین، پایان جلسه دادرسی را اعلام می دارد. در قوانین و مقررات تعریفی از ختم مذاکرات ارائه نشده است. بین نویسندگان حقوقی در ارتباط با مفهوم ختم مذاکرات طرفین اختلاف وجود دارد.

بعضی ختم مذاکرات را ختم محاکمه (متین دفتری، ۱۳۸۱، ج ۲، ۳۳۹) و بعضی آن را ختم دادرسی (مهجری، ۱۳۸۶، ۴۸۰) و بعضی دیگر ختم مذاکرات را متفاوت از ختم دادرسی و ختم رسیدگی دانسته اند و «ا» را مقطعه ای با ویژگی های منحصر به فرد می دانند. در واقع معتقدند ختم مذاکرات طرفین، یک مقطع قبل از ختم دادرسی است. گرچه ختم مذاکرات می تواند با ختم دادرسی منطبق باشد ولی هیچ گاه نمی تواند متاخر از ختم دادرسی باشد. (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۲۰۰ و زراعت، ۱۳۸۶، ۶۵۳). در تعریف ختم مذاکرات گفته شد مقطعی است که تشکیل جلسه دادرسی دیگر ضروری نیست اگر چه ممکن است دادگاه آکاده صدور رای قاطع نباشد و نیاز به انجام اقداماتی مانند کارشناسی و معاینه محل داشته باشد (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۲۰۰) لیکن ختم دادرسی با توجه به ماده ۲۹۵ ق.آ.د.م زمانی است که دادگاه ممد صدور رای باشد و دیگر نیاز به هیچ اقدام دیگری نداشته باشد. تنها کاری که باید انجام دهد صدور رای باشد (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۲۰۰)

این امر از این نظر اهمیت دارد که اگر خواهان قبل از ختم مذاکرات دعوا را مسترد کند دیگر نیازی به رضایت خوانده ندارد و خواهان می تواند بدون قید و شرط دعوا خود را استرداد کند. به نظر می رسد تشخیص اینکه آیا مذاکرات خاتمه یافته است یا خیر با قاضی است (دارابی، ۱۳۹۱).

بنابراین با توجه به بند ب ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان می تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا را صادر می کند.

#### استرداد دعوا به صورت کلی بعد از ختم مذاکرات

به موجب بند ج ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد یا خواهان از دعوی خود به کلی صرف نظر کند. در این رابطه نظرات متنوع است برخی بیان می دارند که صرفا به ظاهر ماده توجه می کنند و استدلال می کنند که عبارت "در این صورت هم به فرضی که خوانده راضی است و هم به فرضی که خواهان از دعوی خود به کلی طرف نظر می کند، دلالت و اشاره دارد.

بنابراین در هر دو فرض قرار سقوط دعوا صادر می شود. چون قانون گذار از روی علم و عمد قید "اخیر" را از بند ج ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی حذف نموده است بنابراین در هر صورت قرا سقوط دعوا صادر می شود. (غلامی و روانان، ۱۳۹۵)

برخی دیگر بیان می دارند چون در این مقطع طرفین انتظار اعلام تصمیم از سوی دادگاه را دارند در این صورت، چنانچه خواهان در مقام استرداد دعوا بر اید ولی خوانده با این استرداد موافق نباشد خواهان برای جلوگیری از رای محکومیت تنها یک راه دارد و آن این است که از دعوی خود به کلی صرف نظر نماید. نتیجه چنین استرداد صدور قرار سقوط دعوا می باشد که از دعوی خود به کلی صرف نظر نماید. نتیجه چنین استرداد صدور قرار سقوط دعوا می باشد. در این فرضاگر خواهان بخواد از دعوی خود به کلی صرف نظر نماید رضایت خوانده شرط نیست (موسوی دارابی، ۱۳۹۱) و در صورتی که خواهان پس از ختم مذاکرات دعوی خود را مسترد نمود و خوانده رضایت است، قرار رد دعوا صادر می شود.

خلاء های قضایی موجود حتی در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است (cadiet ، ۲۰۱۰) و نظام آیین دادرسی مدنی علیرغم سالهای متمادی تکامل خود، هنوز به استحکام لازم است نیافته است تا خواهان در چهارچوب آن بتواند موضوع ماهوی خود را به اثبات برساند و چه بسا بسیاری از دعاوی به حق بوده ولی در چهارچوب نظام شکلی دادرسی مدنی و کاستی های آن به سر انجام دلخواه نرسیده است.

بنابراین، استرداد دعوا در مرحله نخستین می تواند ابزار حقوقی مناسبی پیش روی خواهان باشد تا به کمک آن به شیوه های جایگزین حل اختلاف همچون سازش، داوری و غیره روی آورد. (زند و حسنی، ۱۳۹۳، ۱۸۵)

رویه قضایی فرانسه بر این جاری است که هر گاه قبل از استرداد دعوا، خوانده لایحه داده و از دعوا دفاع کرده و یا دعوا متقابل اقامه نموده باشد، بدون رضایت خوانده نمی توان به تقاضای استرداد دعوی او ترتیب اثر داد و بر آن مبنا پرونده امر را مختومه نمود. حکم مورخ سوم مارس ۱۹۷۶ شعبه دوم مدنی دیوان کشور فرانسه در عین حال دیوان عالی کشور فرانسه در یکی از آرای که در سال ۱۹۰۹ صادر کرده، اعلام داشته است که هرگاه مدعی علیه عذر موجهی برای امتناع از رضایت نداشته باشد، دادگاه می تواند رضایت به استرداد را بر او تحمیل نمایند. (صمصامی مهاجر، ۱۳۶۳، ۸۱-۸۲)

### استرداد دعوا در مرحله تجدید نظر خواهی

در قوانین و مقررات اشاره ای به امکان استرداد دعوا در مرحله تجدید نظر نشده است. تنها در م ۳۶۳ ق آ. د مقرر شده است: چنانچه هر یک از طرفین دعوا دادخواست تجدید نظر خود را مسترد نمایند مرجع تجدید نظر قرار ابطال دادخواست تجدید نظر را صادر می کند.

در نشست قضایی که در آبان ۸۵ در قم برگزار شد این سوال مطرح شد، در صورتی که خواهان بدوی در مرحله تجدید نظر دادخواست بدوی را مسترد کند دادگاه چه تصمیمی اتخاذ می نماید، نظر اکثریت بر این بود که بر اساس م ۳۵۶ ق. آ. د در مرحله تجدید نظر، مقررات ماده ۱۰۷ ق. آ. د جاری می شود و حق خواهان مربوط به مرحله بدوی نیست. از این رو چنانچه خواهان بدوی در مرحله تجدید نظر از دعوی خود صرف نظر نماید، موضوعی برای رسیدگی به اعتراض محکوم علیه باقی نمی ماند. در این صورت دادگاه با نقض دادنامه بدوی وفق بند ج م ۱۰۷ ق. آ. د قرار سقوط دعوا صادر می کند. اما نظر اقلیت بر این بود که بر اساس م ۳۴۹ آیین دادرسی مدنی مرجع تجدید نظر، فقط نسبت به آن چه مورد تجدید نظر خواهی است رسیدگی می کند.

بنابراین تا زمانی که تجدید نظر خواه طبق م ۳۶۳ قانون مذکور دادخواست تجدید نظر خود را مسترد نکرده دادگاه مکلف است به اعتراض او رسیدگی و رای مقتضی صادر کند و مقررات م ۱۰۷ ق. آ. د در مورد استرداد دادخواست و یا دعوا مربوط به زمانی است که دعوا در مرحله بدوی جریان دارد. کمیسیون نظر اقلیت را تایید نموده است (مجموعه نشست های قضایی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۱۳۴، ۲۰، ۱۳۵)

در تایید نظر اقلیت می توان گفت قانون گذار در ماده ۲۶۳ ق. آ. د. در مقام بیان بوده است با وجود مطلع بودن از نهاد های حقوقی استرداد دعوا، تنها امکان استرداد دادخواست را در این مرحله پیش بینی کرده است و به استرداد دعوا اشاره نکرده است. از این رو در می یابیم که قانون گذار امکان استرداد دعوا را در مرحله تجدید نظر نپذیرفته است.

با توجه به مطالب فوق الذکر در مرحله فرجام خواهی و اعاده دادرسی به طریق اولی امکان استرداد دعوا وجود ندارد (شمس، ۱۳۸۶، ج ۳، ۷۳)

در حقوق فرانسه، فرجام خواهی به موجب م ۵۲۷ ق. آ. د. م این کشور، از طرق فوق العاده شکایت از آرای نخستین به شمار می آید. در م ۶۰۴ اصلاحی به موجب تصویب نامه شماره ۷۹-۹۴۱ مورخ ۱۹۷۹، هدف از فرجام خواهی نقض عدم مطابقت رای فرجام خواسته توسط دیوان عالی کشور در فرض مخالفت با قواعد حقوقی دانسته شده است (محسنی، ۱۳۹۱)

در مقررات آیین دادرسی مدنی فرانسه در مواد ۳۹۴ تا ۴۰۵ که بحث استرداد دعوا مطرح شده سخنی از استرداد فرجام خواهی به میان نیامده است. چنین وضعیتی در حقوق کشورمان نیز مشاهده می شود. از این رو می توان با توجه به اصول کلی حقوقی، استرداد فرجام خواهی را با استرداد تجدید نظر خواهی تطبیق نمود و احکام کلی را بر این شکل استرداد نیز تسری بخشید. (زند و محسنی، ۱۳۹۳، ۱۸۵)

### آثار استرداد دعوا

#### استرداد دعوا نسبت به دادگاه

##### الف- قرار رد دعوا

قرار رد دعوا از اعتبار امر مختومه برخوردار نیست و می توان از نو، همان دعوا را در دادگاه مطرح کرد و دادگاه مکلف به رسیدگی است. اما باید دادخواست دیگر با تمام شرایط تنظیم و تقدیم شود. (شمس، ۱۳۸۶، ج ۳، ۷۶)

خاطر نشان می گردد در تمامی مواردی که دادگاه بر اساس مقررات، مکلف به صدور قرار رد دعوا بوده است چنانچه به این امر اقدام ننماید و بر خلاف قانون به دعوا رسیدگی و حکم صادر نماید، دادگاه تجدید نظر در مقام رسیدگی به درخواست تجدید نظر به رای مزبور، حکم را فسخ و نسبت به صدور قرار رد دعوای بدوی اقدام می نماید (شمس، ۱۳۸۶، ج ۲، ۲۵).

### ب- قرار سقوط دعوا

قانونگذار قرار سقوط دعوا را تنها در بند ج م ۱۰۷ ق.آ.د.م. پیش بینی کرده است یعنی در موردی که خواهان از دعوای خود به کلی صرف نظر کند..

در نشست قضایی که در دادگستری دشتی و کنگان برگزار شد در نهایت کمیسیون نظر داد «تنها در قسمت دوم بند ج م ۱۰۷ ق.آ.د.م و مواد مندرج در م ۱۸ و ۱۸ مکرر و تبصره ذیل آن از قانون ثبت اسناد و املاک، قرار سقوط صادر می شود و اعتبار امر مختومه دارد» (نشست های قضایی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ۴۳۵).

در مورد اعتبار امر مختومه داشتن قرار سقوط دعوا، اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه شماره ۷۷۷۵۷۷۶-۶۲/۱۱/۲۰ اعلام داشت «قرار سقوط دعوا به منزله رای بر بی حقی است و چنانچه قطعیشده باشد اعتبار امر مختومه خواهد داشت» این نظریه هرچند در زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ صادر شده است اما در حال حاضر نیز کاربرد دارد. (مهاجری، ۱۳۸۶، ۴۸۸). بنابراین قرار سقوط دعوا اعتبار امر مختومه را خواهد داشت.

### آثار استرداد دعوا نسبت به خواهان

آثاری که با استرداد دعوا و صدور قرار رد یا سقوط دعوا ممکن است نسبت به خواهان ایجاد شود، از جمله :

۱- در فرض صدور قرار سقوط دعوا، خواهان حق مراجعه به مراجع صالح و امکان طرح دوباره دعوا را برای همیشه از دست می دهد.

۲- در فرض صدور قرار رد دعوا، موقعیت طرفین از جمله خواهان به حالت قبل از تقدیم دادخواست بر می گردد. در واقع دادخواست و جریان دادرسی منتفی می شود.

### ۳- مسئولیت خواهان به جبران خسارت

قانون گذار در مورد جبران خسارت سکوت کرده است ولی این سکوت به هیچ وجه جبران خسارت خوانده را منتفی نمی سازد. در اینباره دکتر لنگرودی اعتقاد دارند تنها در فرص که خواهان، قبل از ختم مذاکرات، دعوای خود را مسترد کند در صورت مطالبه خوانده محکوم به خسارت می شود، ولی در جایی که خوانده به استرداد دعوا از سوی خواهان رضایت دهد یا اینکه خواهان به طور کلی از دعوای خود چشم پوشی نماید خوانده حق مطالبه خسارت را نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۵۳۸).

### آثار استرداد دعوا نسبت به خوانده

خوانده در استرداد دعوا نقش موثری ندارد. تنها در صورتی که بعد از ختم مذاکرات، خواهان بخواهد دعوای خود را مسترد کند، با توجه به شق اول بند ج م ۱۰۷ ق.آ.د.م، خوانده می تواند با آن موافقت یا مخالفت نماید.

مطالبه خسارت یک دعوای مستقل است و نیاز به رسیدگی و ارزیابی ادله و بر آورد خسارت دارد و قاعده هم این است که شروع به رسیدگی در دادگاهها محتاج به تقدیم دادخواست است. از این رو بایستی مطالبه خسارت با تقدیم دادخواست باشد. (یوسف زاده، ۱۳۸۳، ۷۱).

### نتیجه گیری

همان طور که در قسمت های مختلف این تحقیق بیان گردید، اگر بنا را بر حق دادخواهی افراد به موجب قوانین اساسی و اصول کلی حقوق بشری نهیم، بایستی به حق افراد در زمینه استرداد دعوا خود در جریان رسیدگی قائل شویم.

استرداد دعوا به موجب بند ب و ج ماده ۱۰۷ ق.آ.د.م در دو مقطع قابل تصور می باشد.

مقطع اول: از تاریخ اقامه دعوا تا قبل از ختم مذاکرات طرفین. در این مقطع با استرداد دعوا از سوی خواهان، دادگاه قرار صدور رد دعوا صادر می نماید.

مقطع دوم: بعد از ختم مذاکرات طرفین تا زمانی که دادرسی تمام نشده است در این مقطع، چنانچه خواهان تقاضای استرداد دعوا کند اگر خوانده با تقاضای خواهان موافق باشد دادگاه قرار رد دعوا صادر می نماید. ولی اگر خوانده موافق استرداد دعوا نباشد خواهان می بایست از دعوی خود به کلی صرف نظر نماید که در این حالت قرار سقوط دعوا صادر می شود یا اینکه منتظر صدور حکم از سوی دادگاه باشند.

در صورت صدور قرار رد دعوا، دعوا به معنای اعم (دادرسی) زائل می شود و موقعیت طرفین به حالت قبل از اقامه دعوا بر می گردد. ولی برای خواهان امکان تجدید دادخواست وجود دارد و قرار رد واجد اعتبار امر مختومه نیست.

در فرضی که استرداد دعوا موجب قرار سقوط دعوا می شود، دعوا به معنای اخص (حق مراجعه به مراجع صالح) زائل می شود و خواهان حق تجدید دوباره دعوا را ندارد.

در حقوق فرانسه در خواست استرداد دعوا (دادرسی) از سوی خواهان در تمامی موضوعات مسموع است به شرطی که خوانده موافقت نماید. در عین حال، هر گاه در زمان استرداد دعوا خوانده در ماهیت دفاع نکرده و ایراد عدم استماع دعوا نیز ننموده باشد، استرداد دعوا بدون رضایت است.

در حقوق فرانسه رویه قضایی برای استرداد دعوا نیاز به ایراد لایحه از سوی دعوا دارد به طوری که بدون رضایت طرف خوانده نمی توان اقدام به استرداد دعوا نمود. همچنین دیوان عالی کشور فرانسه در آراء خود وضعیت مدعی علیه را عذر موجهی برای امتناع از رضایت و ارائه استرداد دعوا ارائه داده است. این دو رویکرد نزدیک به هم از یک سو و وجود اجازه مدعی علیه برای انجام استرداد دعوا در حقوق فرانسه وجوه تمایزاتی را نسبت به حقوق ایران نشان می دهد که بررسی هر یک از آنها می تواند نشان دهنده شکل گیری استرداد دعوا در حقوق ایران و فرانسه است.

تفاوت اصلی میان استرداد دعوا در حقوق ایران و فرانسه، معطوف به نقش خوانده در قبول یا رد آن و آثار حقوقی مرتبط با استرداد دعوا می باشد. در ماده ۳۹۵ ق.آ.د.م کشور فرانسه در استرداد با قبول خوانده تکمیل می شود. با وجود این، اگر خوانده هیچ دفاع ماهوی یا عدم پذیرش در لحظه استرداد خواهان ارائه نکرده باشد قبول لازم نیست.

## منابع و مراجع

- [۱] بروخیم، ب، ۱۳۷۶، فرهنگ فرانسه - فارسی، ج ۱، انتشارات صفی علیشاه، تهران
- [۲] پور طهماسبی فرد، محمد، ۱۳۸۴، اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا، مجله کانون وکلا، ش ۱۹۰
- [۳] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۵، دانشنامه حقوقی، ج ۳، امیر کبیر، چاپ چهارم، تهران
- [۴] زراعت، عباس، ۱۳۸۶، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، ققنوس، چاپ اول
- [۵] زند، منیر وحسنی، علیرضا، ۱۳۹۳، استرداد دعوا در ایران و فرانسه، مجله پژوهش های علوم انسانی، سال ششم، شماره ۳۳، ص ۱۸۸-۱۶۹
- [۶] شمس، عبدالله، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، مجد، چاپ هشتم، تهران
- [۷] شمس، عبدالله، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته) ج ۳، ج ۱۰، نشر دراک، تهران
- [۸] صدر زاده افشار، سید محسن، ۱۳۸۵، آیین دادرسی مدنیو بازگانیادگاههای عمومی و انقلاب، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ نهم
- [۹] صمصامی مهاجر، محمود، ۱۳۶۳، استرداد دعوا، مجله حقوق بین المللی، شماره ۱ ص ۱۰۶-۷۳
- [۱۰] عمید، حسن، ۱۳۶۹، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، چ هفتم، انتشارات امیر کبیر، تهران
- [۱۱] غلامی، جواد و روانان، علی، مطالعه استرداد دعوی در حقوق فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان
- [۱۲] قاضی شریعت پناهی، کاظم، آیین دادرسی مدنی، انتشارات مدرسه عالی قضایی و اداری وابسته به دانشگاه تهران
- [۱۳] متین دفتری، احمد، ۱۳۸۱، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، انتشارات مجد، تهران
- [۱۴] محسنی، حسن، ۱۳۹۱، آیین دادرسی مدنی فرانسه، چ دوم، نشر شرکت سهامی انتشار، تهران
- [۱۵] معاونت آموزش قضایی اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون آموزشی ۱۳۸۶، مجموعه نشست های قضایی، جلد دوم، مسائل آیین دادرسی مدنی، جلد اول، قضا، چاپ اول، قم
- [۱۶] موسوی دارابی، سید محمد، ۱۳۹۱، استرداد دعوا در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران
- [۱۷] مهاجری، عل، ۱۳۸۶، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، فکر سازان، چاپ دوم، تهران
- [۱۸] یوسف زاده، مرتضی، ۱۳۸۳، استرداد دعوا و سقوط دعوا در حقوق ایران و فرانسه پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی